چسبندگی قیمت‌ها: ریشه‌ها و راهکارها



فهیمه بهرامی
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

۱. مقدمه

چسبندگی قیمت‌ها، از یک منظر پدیده‌ای فرهنگی است و با خاطرات و تجربیات افراد درهم تنیده است و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. از منظر دیگر، پدیده‌ای اقتصادی است؛ چراکه میزان چسبندگی قیمت تاثیر زیادی بر تورم و شتاب آن دارد و لذا نقش مهمی در تعیین اثرات سیاست پولی دارد. در نگاه کینزین‌های جدید، واکنش متغیرهای مهم اقتصادی نظیر اشتغال، سرمایه‌گذاری، مصرف و نرخ تورم به سیاست‌های مالی و پولی متاثر از چسبندگی قیمت‌ها است و تغییر در فروض چسبندگی قیمت‌ها نتایج حاصل از الگوهای نیوکینزی را متفاوت می‌سازد. آنها درجه چسبندگی قیمت‌ها را وابسته به پنج عامل کلیدی ماهیت هزینه، ماهیت تقاضا، ساختار بازار، شکل قراردادها و اطلاعات ناقص معرفی می‌کنند. چسبندگی قیمت‌ها در بازار کالای نهایی سایه‌ای از چسبندگی قیمت‌ها در بازار نهاده بوده، انعکاسی از چسبندگی هزینه‌ها است. علی‌رغم اهمیت و جایگاه چسبندگی قیمت‌ها در تنظیم سیاست‌ها، شواهد و اسناد و پژوهش‌های انجام شده حکایت از بی‌توجه‌ای به این پارامتر کلیدی در بستر هدف‌گذاری‌های اقتصادی در ایران داشته، یکی از عوامل موثر بر پایداری و تشدید تورم در اقتصاد ایران را نشانه‌ای از نادیده‌انگاری پدیده چسبندگی قیمت‌ها یا هزینه‌ها و در بطن آن چسبندگی اطلاعات قلمداد می‌شود. از چسبندگی اطلاعات می‌توان به عنوان حافظه تاریخی نیز یاد نمود که هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان در تصمیمات خود به نوعی بر آن تکیه نموده و از این مجرا در پایداری تورم مشارکت می‌نمایند. چسبندگی قیمت عدم واکنش، مقاومت و یا واکنش آهسته قیمت در برابر تغییر سطح عمومی قیمت‌ها و سایر شرایط اقتصادی است که دستیابی به تعادل‌های بهینه کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیرهای کلان را دشوار می‌کند. چسبندگی قیمت‌ها مانع از حرکت آسوده و بلامانع قیمت‌ها در بازار درمقابل تغییر شرایط اقتصادی و تغییر در عرضه و تقاضای بازار شده، عمدتا نشان دهنده ناکارآمدی بازار است.

گرچه چسبندگی ممکن است چسبندگی رو به بالا (تمایل قیمت به افزایش و مقاومت در برابر کاهش) یا چسبندگی رو به پایین (تمایل قیمت به کاهش و مقاومت در برابر افزایش) باشد، اما بطور معمول ماهیت چسبندگی قیمت‌ها از نوع چسبندگی رو به بالا است. بدان معنا که هرچند اتفاقات و نیروهای بازار در کنش و واکنش‌های طبیعی خود تمایل به شکل‌گیری قیمت‌ها در سطح پایین‌تری دارند، اما تمایل به باقی ماندن در قیمت‌های قبلی که به دلایل متعددی در سطح بالاتری شکل گرفته‌اند، بیشتر است و به نوعی قیمت‌ها در جهت حرکت رو

به پایین از خود مقاومت و پایداری نشان می‌دهند که باعث ایجاد اصطکاک در مسیر نیروهای بازار به سمت ایجاد تعادل و بهینگی شده، میزان اثرگذاری مثبت سیاست پولی و ظرف زمانی ماندگاری آثار این سیاست‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در طول یک دوره زمانی مشخص هر چه درجه چسبندگی قیمت‌ها بیشتر باشد، ماندگاری اثرات مثبت سیاست پولی نیز بیشتر خواهد بود. از این رو درک نوع و درجه چسبندگی قیمت‌ها یک عامل کلیدی در سنجش اثربخشی سیاست‌ها و انتخاب ابزار مناسب برای تحقق اهداف سیاست‌گذاری به ویژه در حوزه سیاست‌های پولی است.

۲. علل چسبندگی قیمت‌ها

هرچه اقتصاد از ثبات بالاتری برخوردار باشد میزان واکنش قیمت‌ها به مبنای شکل‌گیری آنها و انعطاف‌پذیری آنها نسبت به تکانه‌ها بیشتر خواهد بود و بالعکس هرچه انتظارات تورمی بالاتر باشد، میزان واکنش قیمت‌ها به تغییرات میزان عرضه، بهره‌وری و بهبود تکنولوژی ضعیف‌تر بوده، قیمت‌ها در جهت حرکت رو به پایین از خود مقاومت نشان می‌دهند. با این وجود در یک اقتصاد با ثبات هم عوامل متعددی بر چسبندگی قیمت‌ها می‌افزایند.

خطای پولی

زمانی که افراد پول ملی را به جای ارزش واقعی، با ارزش اسمی آن مورد سنجش قرار دهند، خطای پولی شکل می‌گیرد. برای مثال زمانی که قدرت واقعی خرید یک پول در دید افراد جامعه پایین‌تر از ارزش واقعی آن قلمداد شود، زمینه‌ساز چسبندگی رو به بالای قیمت‌ها می‌شود.

دوره زمانی تولید، فروش و قرارداد

یکی دیگر از فاکتورهای تاثیرگذار بر چسبندگی قیمت‌ها دوره زمانی تولید است که هرچه زمان تولید کالا طولانی‌تر باشد، زمان تسویه و اضمحلال واکنش به فاکتورهای مؤثر بر قیمت به ویژه در جهت کاهش قیمت طولانی‌تر خواهد بود. طولانی بودن فاصله بین زمان تولید تا عرضه محصول نیز در اینجا عامل دیگر است. سرمایه بکارگرفته شده در تولید یک کالا هزینه فرصت خود را در هنگام تولید دارد و در صورت کاهش قیمت‌های عمومی، امکان هزینه‌یابی مجدد و تعدیل قیمت با توجه به شرایط حال را برای آن کالا دشوار نموده، خود عامل دیگری در جهت چسبندگی قیمت‌ها می‌شود. طول مدت قراردادهای فی ما بین تولیدکننده و خرده‌فروش نیز نقشی مؤثر بر وضعیت چسبندگی قیمت‌ها دارد. هرچه قراردادهای بین تولیدکننده و سایر اعضای زنجیره تأمین و یا اعضای مجاری توزیع با خرده‌فروش طولانی‌تر باشد، چسبندگی قیمت‌های بیشتری حادث می‌شود.

ماهیت کالا

بازار کالاها با ماهیت سرمایه‌ای و با دوام مقاومت بیشتری را نسبت به کاهش قیمت از خود نشان می‌دهند، اما کالاهای دارای عرضه فصلی که از نظر ماهیتی کم‌دوام و یا زود مصرف هستند، از قابلیت انطباق بیشتری با پارامترهای تاثیرگذار بر قیمت برخوردارند.

رفتار قیمت‌گذاری

بسته به اینکه الگوی قیمت‌گذاری وابسته به زمان یا وابسته به وضعیت باشد، چسبندگی قیمتی حاصل از آن متفاوت خواهد بود. در الگوی قیمت‌گذاری وابسته به زمان فرض بر این است که زمان‌بندی تغییر قیمت توسط بنگاه‌های اقتصادی به صورت برون‌زا و بدون درنظرگرفتن شرایط اقتصادی تعیین می‌شود. در حالی که در الگوهای اقتصادی وابسته به وضعیت، بنگاه با توجه به وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی که از جمله مهمترین آنها، نرخ تورم است، در رابطه با تعدیل قیمت کالای خود تصمیم‌گیری می‌کند. نکته مهم اینجاست که هریک از انواع مختلف چسبندگی قیمت، دلالت‌های سیاست‌گذاری متفاوتی را دارد. در الگوهای وابسته به وضعیت، اعمال سیاست‌های پولی انبساطی در ابعاد وسیع باعث می‌شود تا قیمت کالاها، فاصله زیادی از قیمت بهینه پیدا کند و بنگاه‌های بیشتری اقدام به واکنش سریع به تکانه پولی داشته باشند. واکنش سریع بنگاه‌ها به تکانه پولی درنهایت منجر به خنثی شدن سیاست پولی در اقتصاد می‌شود. بنابراین شناسایی رفتار قیمت‌گذاری بنگاه‌های اقتصادی و تشخیص سازگارترین مدل تعدیل قیمت در هر اقتصاد، برای تحلیل اثرات سیاست‌های پولی مهم و حیاتی است. هزینه‌های تغییر قیمت و اطلاع‌رسانی قیمت به مصرف‌کنندگان زمان‌بر و هزینه‌بر است و بخشی از مقاومت در برابر تغییر قیمت از جهت استراتژی‌های قیمت‌گذاری بنگاه حاصل می‌شود.

ساختار بازار

هرچه بازار از درجه رقابت بالاتری برخوردار باشد، مقاومت

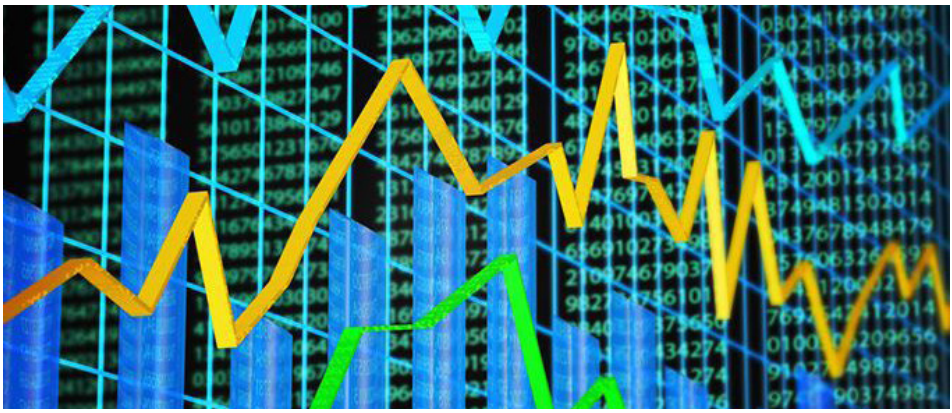

قیمت‌ها برای حرکت به سمت نقطه تعادلی کمتر خواهد بود و به بیان دیگر قیمت‌ها چسبندگی کمتری دارند. هرچه بازار به شرایط رقابتی نزدیک‌تر باشد، چسبندگی قیمت‌ها کمتر است. در بازارهای رقابتی بنگاه‌ها دارای قدرت کمتری برای مقابله با نیروهای بازار هستند، در حالی که در بازارهای با رقابت کمتر، بنگاه‌ها در جهت حفظ منافع خود سعی می‌کنند در مقابل تغییرات نیروهای بازار واکنش نشان داده که بخشی از این و اکنش بصورت چسبندگی قیمت‌ها نمایان می‌شود.

الگوی حرکتی هزینه‌ها

درجه همبستگی بالا بین رفتار چسبندگی قیمت‌ها و چسبندگی هزینه‌ها عامل موثر دیگر است. در واقع بخشی از ماهیت چسبندگی قیمت‌ها در بازار کالاهای نهایی مربوط به رفتار قیمت در بازار کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه است. هرچه الگوی حرکت هزینه‌ها ماهیت چسبنده‌تری داشته باشند، چسبندگی قیمت در بازار کالای نهایی دور از انتظار نخواهد بود.

قیمت‌گذاری دستوری

مداخلات مستقیم در عملکرد نیروهای بازار و وجود قیمت‌های دستوری و اختلال در عملکرد آزادانه قیمت‌های نسبی از دیگر عوامل چسبندگی قیمت‌ها تلقی می‌شود. مداخلات ممکن است از طریق تعیین نرخ یا تعیین سهمیه مقداری باشد. زمانی که دولت به بانک دستور می‌دهد که بیشتر از ۱۵ درصد بهره پرداخت نکند یا از طریق محدود کردن تقاضا (سهمیه‌بندی)، تغییر در عرضه (افزایش واردات) یا تغییر در مقدار مالیات (مالیات بر ارزش‌افزوده یا تعرفه واردات) و قیمت‌گذاری دستوری در بازار کار (نرخ دستمزد) و بازار نهاده (انرژی) و بازار کالا باشد، بر میزان چسبندگی قیمت‌ها می‌افزاید. مثلا با وجود کاهش تورم در خصوص کالاهای فراوری شده و صنعتی چون هزینه‌هایی نظیر هزینه‌های نیروی کار تابعی از قراردادهای کار است، قیمت‌ها چسبنده‌تر می‌شوند.

مجاری توزیع

هرچه تعداد مجاری توزیع تولیدکننده و خرده‌فروش بیشتر باشد، تاثیر مثبتی بر تعداد دفعات فروش و لذا تعدیل قیمت خواهد داشت. ورود و خروج آزاد نهادهای تجاری در نقش مجرای توزیع، باعث انعطاف‌پذیری بیشتر قیمت‌های خرده‌فروشی خواهد شد. به لحاظ کیفی نیز هرچه نقش بخش خصوصی در مالکیت مجاری توزیع بیشتر شود، فضای رقابت در این مجاری بین بخش خصوصی و دولتی بیشتر خواهد شد.

۳. مدیریت آثار چسبندگی قیمت‌ها

مطالعات متعددی در خصوص تقابل یا خنثی‌سازی اثر سیاست‌های پولی به واسطه وجود چسبندگی قیمت‌ها انجام شده است. چسبندگی قیمت‌ها با تاثیر بر رفتار بنگاه‌ها می‌تواند، الگوهای قیمت‌گذاری و حتی الگوهای تولید و عرضه را تحت تاثیر قرار دهد. نتیجه این تاثیرات قادر خواهد بود تا بر میزان عرضه کالا موثر باشد. از دیگر تاثیرات چسبندگی قیمت‌ها می‌توان به انگیزه بنگاه‌ها در خصوص توسعه تولید و سرمایه‌گذاری اشاره نمود، بطور طبیعی پایداری قیمت‌ها در یک وضعیت می‌تواند شاخص قابل اعتمادی برای تصمیم‌گیری در خصوص بسط و توسعه فعالیت تلقی گردد. یکی از نکات کلیدی در خصوص

چسبندگی قیمت‌ها این است که این فاکتور با تورم رابطه دوطرفه دارد بدین معنا که تورم بالا در عین حالی که باعث تمایل قیمت‌ها به چسبندگی بالا می‌گردند، چسبندگی به سمت بالای قیمت‌ها نیز مانع از تاثیرگذاری سیاست‌های با هدف تورم‌زدایی می‌گردد. با توجه به ریشه‌ها و عوامل موثر بر ایجاد و تداوم شرایط چسبندگی قیمت‌ها می‌توان این عوامل را در دو گروه خرد و کلان تقسیم‌بندی نمود. تورم، تورم انتظاری و شاخص ثبات یا بی‌ثباتی اقتصادی از مهمترین عوامل کلان تاثیرگذار بر وضعیت چسبندگی قیمت‌ها می‌باشند. شاخص‌هایی نظیر ساختار بازار و وضعیت کمی و کیفی مجاری توزیع و مدت قراردادها نیز از مهمترین عوامل تاثیرگذار در سطح خرد بر چسبندگی قیمت‌ها تلقی می‌شوند. با توجه به پارامترهای خرد تاثیرگذار بر چسبندگی قیمت‌ها می‌توان اذعان نمود که مدیریت رفتار یا کنترل وضعیت چسبندگی قیمت‌ها در سطح خرد بیشتر در حیطه راهکارهای مدیریت بازار است که این مدیریت بیشتر با رویکرد بهبود کارایی بازار و به نوعی ایجاد ثبات در عرضه و تقاضا و قرار گرفتن قیمت کالاها در بهترین وضعیت تعادلی تصمیم‌سازی می‌کند. در این راستا وزارت صنعت، معدن و تجارت در دولت سیزدهم در «برنامه تحولی مدیریت بازار کالاها و خدمات» به دنبال مدیریت هوشمند بازار از حلقه اول یعنی پیش از تولید و تولید تا حلقه آخر یعنی توزیع و مصرف است. برنامه‌های تحولی این وزارتخانه برای گذار از مدیریت بازار سنتی به نوین، به دنبال استفاده از ابزارهای خودتنظیم، هوشمند کردن پایش‌ها و نظارت‌ها و فراهم آوردن بستری برای بهبود عملکرد ارکان، بازیگران و ذینفعان نظام تأمین و توزیع کالا است. انجام طرح‌های تکمیل «سامانه جامع تجارت»، اصلاح سیاست‌ها و قواعد تنظیم قیمت کالاها و خدمات، گسترش دامنه تحت پوشش و رصدپذیر کردن جریان گردش کالا، اعتبارسنجی و رتبه‌بندی کسب‌وکارهای توزیعی، توسعه نهادهای پشتیبان لجستیک کشور، ساماندهی و ارتقای کارآمدی خدمات توزیعی عمده، تکمیل سامانه اطلاع‌رسانی، نظارت بازار و رسیدگی به شکایات و سامانه تحلیل و پیش‌بینی قیمت‌ها بطور مشخص‌تری بر مدیریت چسبندگی قیمت‌ها و کاهش و کنترل اثرات منفی آن موثر خواهد افتاد.

جمع‌بندی

این موضوع که چسبندگی قیمت‌ها برای یک اقتصاد می‌تواند مفید باشد یا مخرب به سایر شرایط شاخص‌های کلان اقتصادی آن کشورها بستگی دارد. در کشوری با بیکاری و تورم بالا مانند ایران چسبندگی رو به بالای قیمت‌ها باعث تشدید تورم شده و در نهایت اثر رکود تورمی را تشدید می‌نماید. اما در کشوری با تورم پایین و یا حتی منفی چسبندگی رو به بالای قیمت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز پویایی، رشد تولید و اشتغال باشد. اهمیت شناخت از نوع و درجه چسبندگی قیمت‌ها در هر اقتصادی، سیاستگذار پولی را با میزان اثرگذاری پول بر بخش واقعی اقتصاد آشنا می‌کند. عدم درک از میزان چسبندگی و یا انعطاف‌پذیری قیمت‌ها باعث شده که بسیاری از سیاستگذاری‌ها در حوزه مدیریت تورم، رشد و کاهش بیکاری در دستیابی به اهداف تعیین شده موفق نباشند. هرچه نقش نظام بازار در اقتصادی محدودتر باشد، درجه چسبندگی قیمت‌ها در آن اقتصاد بیشتر خواهد بود. سیاست‌های قیمت‌گذاری دولت‌ها خود با کاهش درجه انعطاف‌پذیری قیمت‌ها دلیلی بر چسبندگی قیمت‌ها است.

ماهیت تغییر قیمت‌ها در ایران در شرایط تورمی بیشتر تمایل به انعطاف‌پذیری به سمت بالا داشته و در هنگام کاهش تورم به دلیل نرخ‌گذاری‌های دستوری، انتظارات تورمی شدید، استنباط بی‌ثباتی شدید اقتصادی از سوی مصرف‌کننده و بنگاه، پایین بودن درجه رقابت در بازار محصول و همچنین چسبندگی اطلاعات، تمایل چسبندگی قیمت‌ها رو به بالا است. با توجه به اهمیت شناخت نوع و میزان درجه چسبندگی قیمت‌ها در اثر بخشی سیاست‌ها، توصیه می‌شود در راستای کاهش اثرات منفی این پارامتر، نسبت به راهکارهای تقویت رقابت، کاهش بی‌ثباتی اقتصادی و تقویت ساختار بازار و شفاف‌سازی مسیر شکل‌گیری قیمت در بازار کالا و خدمات اقدام مؤثر صورت پذیرد. با توجه به نقش مدیریت بازار در کاهش و کنترل اثرات منفی چسبندگی قیمت‌ها، اجرای پروژه‌های مبتنی بر سند تحول نظام توزیع مبنایی برای برنامه‌ریزی در جهت مواجهه با پدیده چسبندگی قیمت‌ها موثر خواهد افتاد.

منبع

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۰)، «بررسی علل چسبندگی قیمت‌ها و راهکارهای کاهش آن»، فهمیه بهرامی، گروه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی داخلی